

## بسم الله الرحمن الرحيم

### اسلام؛ مشکل فقر را چگونه حل می‌کند؟

(ترجمه)

سازمان ملل در یکی از بیانات خود گفت: "در حدود 6 میلیارد انسان بالای کره زمین زندگی می‌کند. باشندگان دولت‌های رو به رشد در حدود 4,3 تن بوده که از آن جمله نزدیک به 3 میلیارد آن تحت خط فقر به سر می‌برند که درآمد روزانه شان دو دالر امریکائی در یک روز است و در این میان حدود 1,2 میلیارد کسانی وجود دارند که در آمد روزانه شان کمتر از یک دالر است".

در مقابل، آن احصائیه‌های غربی نشان می‌دهد که دولت‌های صنعتی مالک 97% از تمام امتیازات جهان می‌باشند و این که شرکت‌های سازنده موشک‌های قاره‌پیما مالک 90% از امتیازات دستاوردها، محصولات و دارائی‌ها بوده و بیش از 80% فواید استثمار مستقیم بیگانه در سرزمین‌های رو به رشد به دولت‌های ثروتمند می‌رسد.

چنانکه دیده می‌شود 33,3% سرزمین‌های رو به رشد از آب نوشیدنی مورد اطمینان، پاک و قابل نوشیدن و استعمال محروم اند، 25% باشندگان فاقد جای مناسب برای بود و باش هستند، 20% آن از پائین‌ترین خدمات صحتی مورد نیاز بی‌بهره می‌باشند، 20% از اطفال آن تا صنف پنجم مکتب نمی‌رسند و 20% از شاگردان مکاتب آن با مشکل سوء تغذیه دست و پنجه نرم می‌کنند. این در حالی است که سرمایه سه تن از ثروتمندان جهان برابر با مجموع درآمد 48 دولت فقیر جهان می‌باشد، چنانکه سرمایه 200 تن از ثروتمندان جهان بیشتر از 41% دارائی مجموع باشندگان جهان می‌باشد. این محصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری در جهان می‌باشد.

آیا شناختید که چی کسی فقر را به وجود آورده است؟

ساختار فقر و هلاکت فقراء از خلال تطبیق اقتصاد سرمایه‌داری است که به خدمت یک گروه مشخص که عبارت از ثروتمندان و میلیاردران قرار دارد تا چرخش این سرمایه‌های جمع شده در حساب‌های مصرفی خودشان تمام گردد. بیانیه سازمان ملل را که از ابتدا تا انتها بررسی کنیم، میزان حرص و زشتی این نظام برای ما واضح می‌شود.

روجر تیری نویسنده امریکائی در کتاب خود تحت عنوان "جنون الاقتصاد" می‌گوید: "امریکائی‌ها می‌دانند که مشکلاتی در امریکا وجود دارد؛ اما نمی‌دانند که این مشکلات چیست و چرا این مشکلات وجود دارد. مهم‌تر از همه این که نمی‌دانند چگونه این مشکل را اصلاح نمایند و تا حد ممکن تنها به علایم این مرض می‌پردازند. در حقیقت بعضی از آنچه را که راه‌حل می‌نامند، چیزی است که به مشکل می‌افزاید و این بدان خاطر است که این راه‌حل‌ها برای تغییر محصول نظام بدون تغییر نظامی که این محصول را افزاز کرده است، تلاش دارد. مشکل در کیفیت تطبیق نظام اقتصادی ما نیست؛ بلکه نظام اقتصادی ما در اصل خودش عبارت از همان مشکل است. قطعاً که مشکل در ترکیب اساسی نظام اقتصادی ما می‌باشد و راه‌حل‌های جزئی و در هم پیچاندن محصولات نمی‌تواند به عنوان یک راه‌حلی باشد که مشکل را از بین ببرد. هرگاه بخواهیم به اهداف عالی دست پیدا کنیم، لازم است مشکلات را از بیخ و ریشه آن برکنیم و به شکستن بعضی شاخ و برگ‌های آن

اکتفا نکنیم. بر ما لازم است تا تمام اساسات و فرضیه‌هایی را که نظام اقتصادی ما را حرکت می‌دهد، بررسی کنیم و از حقیقت آن پرده برداریم."

بارزترین نظریات فاسد و پوسیده‌شان که نظام اقتصادی را بر آن بنا کردند و توسط آن از توجه و اهتمام به امور مردم کنار رفتند، عبارت از این گفته‌شان است که: مشکل نسبی کمبود کالا و خدمات و عدم کفایت آن مقابل حاجات انسان معاصر است که هرچند انسان به مرتبه‌بلندتری از مراتب زندگی مدنی ترقی می‌کند، این مشکل نیز افزایش می‌یابد. کفایت سرمایه‌ها و منابع طبیعی را که الله سبحانه و تعالی در کائنات آفریده است، برای تمام بشریت ناممکن فرض کردند و ادعا نمودند که این همان مشکلی است که به نظرشان جامعه به آن مواجه می‌باشد و بر اساس این نظر اشتباه‌شان نظریات اشتباه‌تر و شرم‌آورتری را بیان داشتند، بالای قواعدی توافق نمودند که کیفیت حصول سرمایه برای اشباع حاجات را توسط مردم کنترل کند. به همین دلیل پول را به عنوان وسیله‌ذاتی برای توزیع کالا و خدمات قرار دادند و بر اساس گمان‌شان آنچه که توازن بین استهلاک و انتاج ایجاد می‌کند، همان پول است. به همین دلیل هر کسی که ثروت داشته باشد می‌تواند از تصرف و مالکیت آن بهره‌مند گردد. سپس می‌تواند حاجات و نیازهایش را برآورده سازد.

بنابر این قاعده، که قرار دادن پول به عنوان تنظیم‌کننده توزیع می‌باشد، نظام اقتصادی سرمایه‌داری تعیین نموده که فقط کسی مستحق زندگی می‌باشد که توان سهم‌گیری در تولید کالا و خدمات را داشته باشد؛ اما کسی که این توان را ندارد بدان جهت که ضعیف آفریده شده و یا هم ضعف و ناتوانی عاید حالش گردیده است، پس چنین انسانی مستحق زندگی نیست و حق ندارد که از سرمایه‌سرزمین‌ها به اندازه برآورده شدن نیازهایش بهره‌مند گردد؛ زیرا مالک پول آن نیست و نتیجه‌فعلی و عملی آن اینست که تعداد فقراء مستمند و بینوا تنها در امریکا بیش از 38 میلیون است.

اما اسلام هرگاه مشکلی را حل می‌کند، آن مشکل را به اعتبار یک مشکل انسانی با صرف نظر از ظروف آن می‌بیند که نیاز به معالجه دارد. بنابر این، اسلام مشکل فقر را با تمام دقت بررسی نموده، برای آن راه‌حل‌های اساسی بیان داشته و واضح ساخته که مشکل فقر به سبب عدم توزیع سرمایه‌ها و منافع برای تمام افراد رعیت فرد فرد آن می‌باشد، یعنی این فقر عبارت از فقر سرزمین‌ها نبوده بلکه فقر افراد است.

آیات و احادیثی که در مورد فقیر، مسکین و ابن السبیل (مسافر در راه مانده) چنان زیاد و متنوع هست که توجه انسان را جلب می‌دارد به این که این یک مشکل و ضرورت به معالجه دارد. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ [حج 28]

ترجمه: و بینوایان مستمند را نیز بخورانید.

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ [بقره 272]

ترجمه: و هر چیز نیک و بایسته‌ای که (بدین گونه) ببخشید به طور کامل به خود شما بازپس داده می‌شود و (کوچک‌ترین) ستمی به شما نخواهد شد.

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ [بقره 273]

**ترجمه:** (چنین بذل و بخششی مخصوصاً باید) برای نیازمندی باشد که در راه الله درمانده‌اند و به تنگنا افتاده‌اند.

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ [توبه 60]

**ترجمه:** زکات مخصوص مستمندان، بیچارگان، گردآورندگان آن، کسانی که جلب محبت‌شان (برای پذیرش اسلام و سودگرفتن از خدمت و یاریشان به اسلام چشم داشته) می‌شود، (آزادی) بندگان، (پرداخت بدهی) بدهکاران، (صرف) در راه (تقویت آئین) الله، و وامندگان در راه (و مسافران درمانده و دورافتاده از مال و منال و خانه و کاشانه) می‌باشد.

﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ [حشر: 6]

**ترجمه:** چیزهایی را که الله از اهالی این آبادی‌ها به پیامبرش ارمغان داشته است، متعلق به الله و پیامبر و خویشاوندان (پیامبر) و یتیمان و مستمندان و مسافران در راه مانده می‌باشد.

﴿إِنْ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ وَإِنْ تُخْفَوْهَا وَتُؤْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ [بقره 271]

**ترجمه:** اگر بذل و بخشش‌ها را آشکار کنید، چه خوب و اگر آن‌ها را پنهان دارید و به نیازمندان بپردازید، برای شما بهتر خواهد بود.

﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مَسْكِينٍ﴾ [بقره 184]

**ترجمه:** و بر کسانی که توانایی انجام آن را ندارند (هم‌چون پیران ضعیف و بیماران همیشگی و کارگرانی که سالیانه پیوسته به کارهای سختی، مانند استخراج زغال سنگ اشتغال دارند، و زندانیان محکوم به اعمال شاقه‌ای که پیوسته به کار سنگین وادار می‌گردند) لازم است کفاره بدهند، و آن خوراک مسکینی است (از خوراک متوسطی که به خانواده خود می‌خورانید و باید در برابر هر روزی یک خوراک متوسط که بتواند به طور معتدل مسکینی را سیر کند بپردازید).

﴿أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ (14) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (15) أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ [بلد 14-16]

**ترجمه:** یا خوراک دادن در زمان گرسنگی (قحطی و خشکسالی) است. (خاصه) به یتیمی خویشاوند یا به مستمندی خاک‌نشین.

به همین قسم احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و سلم وجود دارد که ایشان فرمودند:

«أَيُّمَا أَهْلٍ عَرَصَةٌ أَصْبَحَ فِيهِمْ أَمْرٌ جَائِعٌ فَقَدْ بَرَأَتْ مِنْهُمْ ذِمَّةُ اللَّهِ تَعَالَى»

**ترجمه:** هر اهل منطقه که در میان‌شان شخص گرسنه‌ای باشد قطعاً که از ذمه الله متعال بیرون‌اند.

مجموع دلایلی که در مورد انفاق، احکام صدقات، احکام زکات و تکرار تشویق بر سرپرستی فقراء، مساکین، ابن السبیل (مسافر در راه مانده) و سوال کنندگان وارد شده است، همه دلایل به صورت واضح بر این دلالت می‌کند که مشکل اقتصادی

عبارت از فقر افراد است، یعنی عدم تمکن افراد در حصول سرمایه سرزمین‌ها، به اندازه‌ای که حاجات اساسی شان را برآورده سازد. به همین دلیل می‌بینیم که در طول تاریخ دولت خلافت و در سخت‌ترین شرایط هیچ محتاجی در جاده‌ها برای گدایی از مردم ننشسته است، زیرا دولت خلافت حاجات اساسی از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، تعلیم، طبابت و امنیت را برای تمام رعیت خود فراهم می‌نمود و این زمانی بود که امت تحت سایه خلافت می‌زیست؛ همان دولتی که به صورت عملی دولت رعایت است، نه دولت مالیات و محصولات.

اما امروز در سایه نظام سرمایه‌داری خوابیده بر سینه امت، می‌بینیم که برنامه اساسی دولت عبارت از ظلم و خشونت بر مردم، گرسنه گردانیدن و گرفتن امنیت از دل‌های شان است؛ مثلاً اقدام حکومت انتقالی سودان برای برکناری کارمندی که در معادن استخراج طلا کار می‌کردند تا نفقه خانواده‌های شان را فراهم نمایند. دور کردن از اماکن شان جهت قدرت‌یابی شرکت‌های استثمار برای غارت سرزمین‌ها، بکارگیری بسیاری از جوانان در ارتش که کارآمد نیست و هم‌چنین اقدام به مصادره سرمایه‌های دست‌فروشان بازار، هجوم بالای شان توسط حملات تا جایی که فروشندگان چای را نیز در بر گرفته است، اما کار در اینجا تمام نشده بلکه بر معیشت و زندگی مردم نیز فشار و سختی وارد ساخته و آنان را در حالت غیرقابل تحملی هم‌چون جهنم قرار داده است. مالیات و محصولات را افزایش داده، ساحت مالیات را وسعت داده، حمایت از کالا و خدمات اساسی را برداشته و منابع سرزمین را در ظرف طلا تقدیم استعمار نموده تا از عیش سرمایه‌های ما را بکنند، در حالی که ما در تنگدستی و فقر زندگی می‌کنیم.

جهان امروز نیازمند دولت با رعایت است، نه دولت اخاذ مالیات و محصولات؛ دولتی که زندگی با امنیت و اطمینان بوجود آورد، زندگی با آرامش و سکینت با خاطر آرام و سوگند به الله سبحانه و تعالی که چنین زندگی بوجود نخواهد آمد، جز در سایه نظام اسلام که توسط دولت خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت تطبیق می‌گردد.

**نویسنده: استاد مجاهد آدم \_ ولایه سودان**

**مترجم: احمد صادق امین**